

سنندج شهر اُرسی بررسی روند شکل‌گیری و گسترش هنر اُرسی‌سازی براساس نمونه‌های موجود

محمد ابراهیم زارعی*

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۰۲

چکیده

اُرسی‌های بسیاری در آثار دوره‌های صفوی و بهویژه خانه‌های دوره قاجار در سنندج باقی مانده است. اگرچه این خانه‌ها دارای آرایه‌های متعددی هستند، ارسی در این میان، از جایگاه خاصی برخوردار است. این پژوهش در بی‌آن است که به چند سؤال پاسخ دهد و فرضیه‌هایی را که درباره سابقه، فن ساخت و ویژگی اُرسی‌سازی شهر سنندج را طرح کرده، اثبات کند. در این پژوهش، کوشش شده که به اهمیت و جایگاه اُرسی در شهر سنندج بهصورت تاریخی و توصیفی تحلیلی نگریسته شود. پیشینه استفاده از اُرسی در بنای‌های شهر سنندج به‌طور دقیق مشخص نیست؛ اما مدارک و شواهد موجود نشانگر این است که استفاده از اُرسی در بنای‌های دوره صفوی آغاز شده است. مدارک و شواهد قطعی‌تری در استفاده از اُرسی و اُرسی‌سازی در ساختمان‌های مسکونی دوره قاجار، نیز در دست است که نشان می‌دهد که ساختن اُرسی و استفاده از آن در این دوره، گسترش چشمگیری داشته و می‌توان سنندج را از مراکز مهم ساخت اُرسی در دوره قاجار شمرد. گستردگی استفاده از اُرسی از سویی، نشانگر این است که افراد زیادی در این حرفه اشتغال داشته‌اند؛ بنابراین، ساختن اُرسی و استفاده از آن، از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردار بوده که در خانه‌های مردم عادی هم نمونه‌ای با پیمون کوچک^۱ وجود داشته است. در برخی خانه‌های با پیمون بزرگ^۲ تعداد اُرسی به بیش از ده نمونه هم می‌رسد. گسترش و بهره‌مندی از اُرسی در ساختمان، توجه سازندگان را به سمتی سوق می‌دهد که طرح اُرسی‌های شهر سنندج را با وجود حفظ کلی اُرسی‌سازی ایرانی، ولی با شیوه بومی محلی، همچون سایر هنرها از جمله فرش و صنایع دستی را ایجاد کنند. با اینکه این پشتوانه غنی در اُرسی‌سازی، می‌توان برای احیا یا نوآوری در آن، از فراموشی و نابودی این هنر جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها

اُرسی، عمارت آصف، شهر اُرسی، عمارت خسروآباد، سنندج.

پرسش‌های پژوهش

۱. اُرسی در آثار معماری سنتدج، از چه جایگاهی برخوردار است؟
۲. اوج ارسی‌سازی در سنتدج، مربوط به چه دوره زمانی است؟
۳. روش ساخت ارسی در سنتدج چگونه است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

مقدمه

با اینکه اُرسی در معماری ایران در تعدادی از ساختمان‌ها به‌طور گستره استفاده شده، همچون سایر عناصر یا آرایه‌های معماری به آن نپرداخته‌اند. با توجه به شواهد موجود، زمان بهره‌گیری از اُرسی در آثار معماری ایران، حداقل به زمان صفوی بازمی‌گردد؛ به همین دلیل، ارسی در این دوره و دوره‌های زندیه و قاجاریه، از اهمیت و جایگاه شایان توجهی برخوردار شد. شواهد و مدارک موجود نشانگر آن است که ارسی در این دوره‌ها استفاده عمومی نداشته، ولی در بسیاری بنای‌ها از جمله کاخ‌ها، برقی مساجد و حسینیه‌ها و خانه‌های کسانی که توانایی مالی داشتند، در زمرة یک عنصر معماری و نیز تزئینی بوده است. ارسی علاوه بر اینکه عایقی مناسب برای بخشی از ساختمان بوده، عنصری تزئینی هم محسوب می‌شده است؛ بنابراین، با توجه به اهمیت ارسی در بیشتر نقاط کشور، آن چنان که شایسته بوده، به آن توجه نشده و پژوهشی ژرف‌نگرانه درباره آن صورت نگرفته؛ درنتیجه، مطالعه اُرسی در شهر سنتدج هم از این امر مستثنی نبوده است.

با اتكا به اسناد و شواهد موجود، استفاده از اُرسی در بسیاری مناطق ایران شایع و معمول بود؛ اما در برخی شهرها رونق و گسترش چشمگیرتری داشت. یکی از شهرهایی که ارسی‌سازی در آن گسترش یافت، شهر سنتدج است. در آثار معماری شهر سنتدج، ارسی یکی از نمونه‌های عالی عناصر و آرایه‌های معماری است. اگرچه تعداد بسیار زیادی از ارسی‌های شهر سنتدج، بهویژه نمونه‌هایی که در بنای‌های کهن‌تر نصب بوده، طی یک سده گذشته دستخوش تابودی شده، خوشبختانه وجود نمونه‌هایی همچون اُرسی بزرگ و سایر اُرسی‌های ضلع شمالی و گره‌چینی‌های تالار اصلی در عمارت آصف‌دیوان و مشیر‌دیوان مربوط به دوره قاجار، از عمارت خسرویه و سایر نمونه‌های موجود در شهر، نشانگر این است که کاربرد اُرسی در بنای‌ها علاوه بر عنصر معماری به عنوان عنصر تزئینی وابسته به معماری، از جایگاهی پذیرفتی برخوردار و مورد توجه بانیان، سفارش‌دهندگان و هنرمندان سازنده اُرسی بوده است.

استفاده از ارسی، علاوه بر اینکه در بنای‌های اعیانی شهر سنتدج جایگاه خاصی داشته، در خانه‌های مردم عادی نیز به کار گرفته شده است. ابعاد و اندازه اُرسی در هریک از خانه‌های شهر، بر حسب مقیاس متفاوت بوده است. تنوع در اندازه و مکان قرارگیری در یک ساختمان و در طرح و نقش، به‌طور چشمگیری در ساخت ارسی‌ها مؤثر بوده است؛ بنابراین، گسترش استفاده از اُرسی در سنتدج، با توجه به نمونه‌های موجود، اهمیت در این باب را توجیه می‌کند.

در شهر سنتدج، آثار معماری ارزشمندی با اُرسی‌های متعدد و فراوانی وجود دارد. بررسی‌های میدانی نگارنده در خانه‌های شهر سنتدج، نشانگر استفاده از اُرسی در مقیاس کوچک و بزرگ در آن‌هاست. گروه‌هایی از مردم شهر هم، در استفاده از اُرسی در خانه‌های خویش، استقبال نشان داده‌اند. در میان شهرهای غرب کشور، با توجه بررسی‌های میدانی، جایگاه اُرسی‌سازی سنتدج متمایز است و به عنوان شهری است که اُرسی در آن اهمیت داشته و یکی از مراکز ساخت آن محسوب می‌شده است؛ بنابراین، با توجه به آن‌چه اشاره شد، نگارنده عبارت «سنتدج شهر اُرسی» را به کار برده است.

تحقیقات نگارنده نشان می‌دهد با اینکه اُرسی‌های بسیار زیادی در بنای‌های شهر سنتدج وجود دارد، تاکنون پژوهشی جامع و کامل در این زمینه انجام نشده و در هیچ منبعی به اُرسی‌های آن اشاره‌ای نشده است. با اینکه در برخی متون، تاریخ محلی و مطالعات موردنی (تک‌نگاری) از بنایها و آثار معماری به اختصار یاد شده، کاری درباره ساخته، کارکرد و

انواع طرح‌های به کار گرفته شده در اُرسی‌های سنتدج صورت نگرفته است؛ بنابراین، شاید پژوهش حاضر بتواند بایی برای مطالعات جامع تر اُرسی‌ها و سایر آرایه‌های معماری سنتدج بگشاید.

این پژوهش به صورت تاریخی، توصیفی تحلیلی بر مبنای دو رویش میدانی و مصاحبه با افراد مطلع (سنت شفاهی) و کتابخانه‌ای انجام شده است. در رویش میدانی، بررسی نمونه‌های اُرسی‌های موجود در بنای شهر سنتدج، از نزدیک صورت گرفته است. در کنار بررسی‌های میدانی، با تعدادی از اُرسی‌سازان و آگاهان از این هنر، مصاحبه انجام شده که آگاهی‌هایی ارزشمندی در اختیار قرار داده است.^۳ در روشن کتابخانه‌ای، به طور عمده از دستنوشته‌ها و مدارک مکتوب مرتبط با بنای‌های تاریخی استفاده شده است؛ لذا براساس یافته‌های میدانی، یک نمونه سند و دستنوشته‌ها و مصاحبه‌های انجام شده، تحلیل لازم صورت گرفته است.

۱. واژه اُرسی

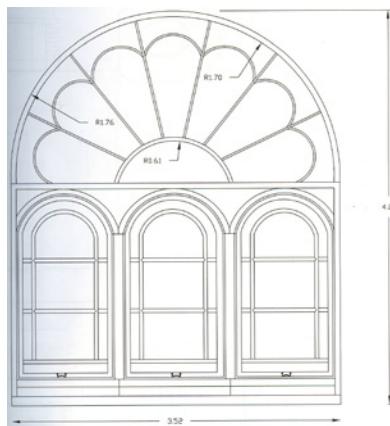
«اُرسی» نوعی در قدیمی که دارای چهارچوب مخصوص بوده و آن در داخل چهارچوب حرکت می‌کرد و با پایین و بالارفتن باز و بسته می‌شد. قسمتی در برای اطاق که عمودی باز و بسته می‌شد. گاه از باب تسمیه کل به اسم جزء اطاق را که دارای چنین درهایی است، اُرسی نامند» (معین، ۱۳۷۱، ج ۱). در لغتنامه دهخدا (۱۳۶۴)، زیر عنوان اُرسی) چنین آمده: «... اُرسی برخلاف درهایی که به یک سو می‌رود، یعنی و یسار باز و فرازش شد... در که وقت گشادن به سوی بالا کشند و گاه بستن فرو آرند. دری که از اطاق که در گاه آن به صحن باشد و دارای چهارچوبی بود که در جوف آن حرکت کرده و بالا و پایین رود...». واژه «اُرسی» (اروسی) منسوب به ارس (روس) روسی است. در اتاق که رو به حیاط باز شود و دارای شیشه باشد» (عمید، ۱۳۶۶، ج ۱). گروهی باور دارند که چون این نوع درها و پنجره‌ها کشویی باز و بسته می‌شوند؛ لذا این نوع پنجره‌ها اُرسی است. واژه اُرسی از روسی است، چون طرح آن از روسیه آمده است (محمودی، استادکار اُرسی‌ساز، مصاحبه‌شونده، ۱۳۷۸/۲/۳۰). اُرسی اصطلاحاً به در و پنجره‌های گفته می‌شود که معمولاً سرتاسر دیوار یک اتاق را می‌پوشانند و از سقف تا کف یکپارچه‌اند و باز و بسته شدن آن‌ها به صورت عمودی و بالا و پایین رو است. لت اُرسی‌ها معمولاً گرد است (پیرنیا، ۱۳۸۱، ۱۹۸-۱۹۲).

برخی گمان می‌کردند اُرسی به پنجره‌ای اطلاق می‌شود که به تقلید از معماری روسی در ایران رواج یافته، در صورتی که نمونه‌های جالبی از اُرسی حتی پیش از آنکه معماری چشم‌گیری در روسیه بنا شده باشد، در بنایها و نقاشی‌ها دیده می‌شود. گویا مقایسهٔ قند اُرسی با این نوع پنجره که خود و نام آن هردو اصل ایرانی و فارسی دارد، موجب این اشتباہ شده است. «أَرْ» پیشوندی است به معنای بالارفن و نظایر آن. در واژه‌های اردک (مرغ بالاچهنه)، النگ (حرکت توأم با جهش اسب)، ارچین (پله) و سیاری از واژه‌های دیگر دیده می‌شود که به معنای شبکه و نور و چشم و تماشا در گویش‌های جنوبی ایران بسیار معمول است. اُرسی پنجره مشبکی است که به جای گشتن بر روی پاشنه گرد، بالا می‌رود و در محافظه‌ای که روی آن قرار گرفته، جای می‌گیرد و در اشکوب کوشک‌ها و پیشان (ایوان اصلی جلوی گنبدخانه) و رواق ساختمان‌های سردىسری بسیار دیده می‌شود. نقش شبکه اُرسی معمولاً مانند پنجره‌ها و روزنه‌های چوبی است و نمونه‌های زیبای آن در خانه‌های کهن اصفهان و کاشان و بیزد و انواع جدیدترش در تهران بسیار است (پیرنیا، ۱۳۷۱، ۳۵۵-۳۵۶). واژه اُرسی از کلمه اِروز- اروس- پهلوی به معنای روشایی گرفته شده است؛ بنابراین، اُرسی واژه‌ای ایرانی است. نوعی پنجره بزرگ چوبی مشبک با تعداد لته (لنگه) معمولاً فرد به کار گرفته می‌شود. چنانچه در طبقه اول استفاده شود، بخش عمده دیوار سراسری اتاق را می‌پوشاند. اُرسی در تالارهای خانه یا سایر فضاهای معماری کار گذاشته می‌شد و به حیاط خانه‌ها گشوده می‌شد و برحسب تعداد همین اُرسی‌ها بود که معمولاً تالارها را سه‌دری، پنج‌دری، هفت‌دری و نه‌دری می‌نامیدند؛ بنابراین، اُرسی یکی از عناصر مهم ساختمان و تزئینات وابسته به معماری محسوب می‌شود.

۲. طرح، ساخت و اجزای اُرسی

هرچند که از طرح اُرسی در میان طرح‌های مختلف آثار و آرایه‌های معماری که به شکل طومار هستند، به جای نمانده است، به نظر می‌رسد که اُرسی نیز همچون سایر عناصر و آرایه‌های معماری در سرزمین ایران، براساس طرح‌های مختلف ساخته و پرداخته می‌شده است. در همین باره، اُرسی‌سازان هم برای اجرای یک اُرسی، طرحی را نهیه می‌کردند. گواه این مدعای روش کار اُرسی‌سازانی است که در عصر حاضر، به سبک استاد کاران قدیم، اُرسی را مرمت می‌کنند یا می‌سازند؛ بنابراین، برای ورود به موضوع و روشن شدن آن، پرداختن به طرح، ساخت و اجزای اُرسی، به صورت مختصر اجتناب ناپذیر است.

طراحی اُرسی در اندازه‌های مختلف، از کارهای اُرسی‌ساز بوده است. طرح اُرسی براساس فضای مدد نظر انجام می‌شد. اجزای تشکیل‌دهنده اُرسی‌ها در طراحی‌ها مشخص می‌شود. اُرسی‌ها براساس طراحی در قالب‌های مشخصی، عموماً اسلامی و هندسی و یا ترکیبی از هر دو نوع طرح، ساخته می‌شوند. یک اُرسی از بخش‌های مختلفی همچون چهارچوب، وادار، روکوب، لته‌ها (لنگه‌ها)، پاخور یا پاشنه، پاتاق با کتیبه و شبشه تشکیل شده است. پاتاق یا کتیبه در اُرسی‌ها سه گونه است: گونه اول، پاتاق بسته و فاقد نورگیر است و بیشتر در نواحی کویری و مرکزی ایران، به‌ویژه در بنای‌های شهر کاشان، استفاده شده است؛ گونه دوم، پاتاق‌های جدا از چهارچوب است و در بالای لنگه (لته) درهای اُرسی با فاصله قرار دارد که از آن، در خانه‌های ایانه استفاده شده است؛ گونه سوم، پاتاق نورگیر یا کتیبه متصل به چهارچوب است که در بسیاری از شهرهای ایران از جمله سنتنگ، این شیوه مرسوم بوده است. در اُرسی‌های شهر سنتنگ، این بخش از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. پاتاق یا کتیبه‌های اُرسی‌ها با دو روش اسلامی یا گره چنی، طراحی و ساخته شده است. پاتاق یا کتیبه از نظر شکل هم دو گونه است: گونه اول تخت یا صاف است و گونه دوم قوس‌دار است. در اُرسی‌های شهر سنتنگ، از هر دو نوع تخت و قوس‌دار (قوس‌های تیزه‌دار و نیم‌دایره) استفاده شده است (تصاویر ۱ و ۲).



تصویر ۱: نمای پاتاق یا کتیبه با قوس نیم‌دایره اُرسی ضلع شرقی عمارت مشیردیوان سنتنگ با پاتاق یا کتیبه با قوس نیم‌دایره



چهارچوب که ساختار اصلی اُرسی را تشکیل می‌دهد، شامل ردیف تیرهای چوبی، به صورت عمودی و افقی است. این تیرها را «وادار» می‌گویند. در شهر سنتنگ، وادرها عموماً از چوب چنار هستند. چنار چوبی است که علاوه بر اینکه ارتفاع درخور توجهی دارد، صاف و میزان است. در فاصله وادرها که به اندازه یک لته یا لنگه است، تیرهای کوتاه افقی برای استحکام بخشی قرار می‌گیرند. شکل چهارچوب، تابع شکل محل قرارگیری اُرسی در ساختمان است. اجزای چهارچوب با کام و زبانه بهم وصل شده‌اند. کل چهارچوب نیز به‌وسیله زائده‌هایی که آن‌ها را «پاچه‌گیر» نامند، در دیوار نصب می‌شوند. چهارچوب‌ها به‌وسیله چوب‌هایی به نام «موش‌دان» در دیوار مستحکم می‌شوند (امرایی ۱۳۸۳، ۱۱۱). این روش چهارچوب را محکم در دیوار نگهداری می‌کند (تصویر ۳).

وادارها ساختار اصلی چهارچوب را تشکیل می‌دهند. وادارهای عمودی ساختار اُرسی را برای لته‌ها به بخش‌های مساوی تقسیم کرده است. بر روی وادارهای عمودی علاوه بر روکوب، ابزارهای چوبی با گل‌میخ‌های فلزی نصب می‌گردد؛ درنتیجه، بر روی وادارها شیارهایی درِ دو سو ایجاد می‌شود تا لته‌ها (لنگه‌ها) در آن‌ها قرار گیرد و به صورت کشووار حرکت کنند. به زائدۀای که لته‌های اُرسی را روی آن‌ها نگه می‌دارد، خروسوک می‌گویند (بزرگ‌مهری و خدادادی ۱۳۸۹، ۲۰). خروسوک در طول چهارچوب بر روی جداره داخلی وادارها در چند نقطه، کار گذاشته می‌شوند تا بنا بر ضرورت، هر اندازه لازم باشد (معمولاً نیمی از اندازه ارتفاع لته یا به اندازه تمام ارتفاع لته) لته‌ها بالا کشیده شود. این شیوه در همه اُرسی‌های شهر سنتنج که در این پژوهش بررسی شده‌اند، استفاده شده است (تصویر ۴).



تصویر ۴: نحوه نگهداری لنگه اُرسی عمارت خسروآباد در حال مرمت فلزی که تمام جزئیات آن باز است. با کتیبه قوس‌دار، وادارها و پاخور یا پاشنه



تصویر ۳: چهارچوب اُرسی داخل قصر عمارت خسروآباد در حال مرمت که تمام جزئیات آن باز است. با کتیبه قوس‌دار، وادارها و پاخور یا پاشنه

روکوب هم بخشی از ساختار اُرسی و از جنس چوب گردو است. روکوب به صورت تخته‌های ورقه‌شده با ضخامت کم بر دو سوی وادارها تا ارتفاع قوس لته‌ها از بیرون و درون، با میخ‌های تزئینی که در اصطلاح آن‌ها را گل‌میخ هم می‌گویند، نصب می‌شود. روی وادارها را بنا به دلایل فنی و تزئینی تا بالای قوس لته‌ها یا لنگه‌ها با چوب گردو روکوب یا روکش می‌کنند (امرايی ۱۳۸۳، ۱۱۲–۱۱۱). اين کار برای هماهنگی جنس چوب چهارچوب که از چوب چنار هستند، با لته‌ها (لنگه‌ها) که عموماً از چوب گردوست، انجام می‌شده است. استفاده از چوب گردو به این دلیل بود که هم مقاوم است و هم از الیاف مناسبی برخوردار است و پس از صیقل و لاك الک، بافت زیبای چوب گردو، زیبایی اُرسی را دوچندان می‌کرد. در اُرسی‌های سنتنج از روکوب چوبی و گاهی هم به جای روکوب چوبی از آینه در نمای داخل اُرسی استفاده شده است. نمونه‌های شاخص استفاده از آینه در اُرسی‌های اصلی ضلع شمالی و ضلع غربی عمارت آصف‌دیوان است.

بخش دیگر اُرسی، پاشنه یا پاخور است که به قسمت پایین اُرسی گفته می‌شود و از این طریق، اُرسی به کف اتاق وصل می‌شود. قسمت پاخور از بیست تا پنجاه سانتی‌متر از زمین ارتفاع دارد و حالت جان‌پناه دارد. در اُرسی‌های شهر سنتنج، ارتفاع پاخور یا پاشنه بین بیست تا سی سانتی‌متر است. با توجه به اینکه پاخور در معرض برخورد و تماس با باران از سمت بیرون بوده، با چوب گردو روکوب شده است. این کار هم به دلیل ایجاد استحکام و مقاومت‌سازی و همچوکانی با سایر قسمت‌ها که از جنس چوب گردوست، انجام می‌شده است. پاخور اُرسی‌های سنتنج متناسب با طرح اُرسی، قاب‌بندی شده است.

لته‌ها یا لنگه‌ها بخش متحرک اُرسی است. لته‌ها از قطعات چوب با اندازه‌های مختلف ساخته شده‌اند. برای اتصال

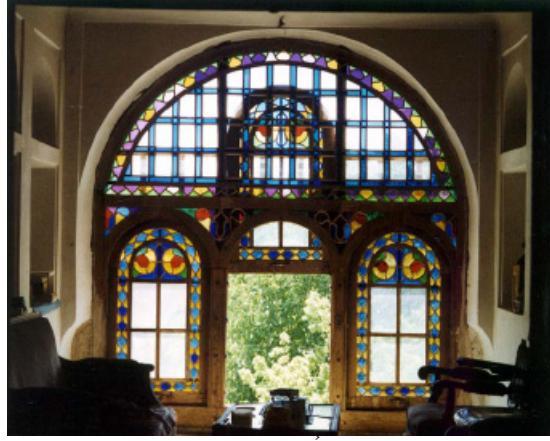
قطعات لته‌های اُرسی از میخ‌های فلزی به صورت خیلی محدود استفاده شده؛ اما چسب در آن هیچ‌گونه نقشی ندارد و عموماً به وسیله کام و زبانه قطعات چوبی و شیشه، هم‌زمان به هم وصل می‌شود. برای اتصال و کلاف چهارچوب لته‌ها و چهارچوب اصلی، از میخ‌های چوبی که جای آن با منه سوراخ شده، استفاده می‌گردد. لته‌ها عبارت بود از لنگه‌درهایی مشبک و شیشه‌دار که در فاصلهٔ وادارهای عمودی قرار می‌گیرند. لته‌ها پس از آنکه به طور کامل تکمیل شوند، در محل نصب می‌شوند. با توجه به این توضیحات، این لته‌ها که حرکتی کشووار دارند، در شکاف‌هایی که بر دو سوی وادارها با ابزار چوبی و گل میخ ایجاد شده، قرار می‌گیرند. برای آنکه لته‌ها در نقاط دلخواه نگه داشته شوند، در ارتفاعات مختلف، خروسوک‌هایی بر ستون‌ها نصب کردۀ‌اند که لته‌ها را از زیر نگه می‌داشت.

لته‌ها از نظر شکل با دو نوع طرح و شکل ساخته شده‌اند: یک نوع قوس‌دار و نوع دیگر تخت. از هردو گونه در اُرسی‌های سنتدج وجود دارد. لته‌ها براساس طرح و ساختار اُرسی، طراحی و ساخته شده است. لته‌های اُرسی هم از نظر ترکیب طرح به چند بخش تقسیم شده است. اگر لته از نوع قوس‌دار باشد، بالای کتبیه قواره‌بری (اسلیمی) است. در کتبیه اُرسی‌های سنتدج از طرح‌های شمسه، فروهر، مرغ و پیمون دوردار سه یا چهارمجلسی^۴ استفاده شده؛ اما اگر لته بدون کتبیه باشد، از طرح‌های گره و قواره‌بری در حاشیه و یا تمام سطح آن استفاده شده است. در برخی از لته‌ها بخش مرکزی به صورت ساده با شیشه‌خورهای بزرگ و عموماً مستطیل شکل است. در هردو نوع لته‌های اُرسی‌های شهر سنتدج، بخش مرکزی شیشه‌خور سفید با طرح مستطیل و حاشیه‌ها متناسب با طرح اُرسی، گره‌چینی یا قواره‌بری شده است (نک: تصاویر ۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۴).

۳. روش کار اُرسی‌ها

اُرسی‌هایی که در جای جای کشور طراحی و ساخته شده‌اند، از نظر روش کار دو گروه هستند: گروه نخست، «اُرسی‌های ساده یا معمولی»؛ در این نمونه‌ها لته‌های اُرسی، از طریق دستگیره‌های فلزی به صورت کشویی و به سوی بالا و پایین باز و بسته می‌شود. لته‌های این گروه از اُرسی‌ها سبک است و با دست باز می‌شود. تمام اُرسی‌های سنتدج در این گروه جای می‌گیرند؛

گروه دوم: «اُرسی‌های وزنه‌ای»؛ اُرسی‌هایی که اتصال وزنه‌هایی سربی به آن‌ها حرکت بالا و پایین رفتن لنگه در گاهها در داخل چهارچوب را روان‌تر می‌کرده است. در این نوع اُرسی‌ها، علاوه بر حالت کشویی که در اُرسی‌های ساده یا معمولی وجود دارد، درون چهارچوب خالی است و در آن، وزنه‌ای سربی به وسیلهٔ ریسمانی که از روده گاو و گوسفند درست شده بود، به لنگه‌های اُرسی متصل شده و بالا و پایین کشیدن لنگه‌ها در هنگام باز و بسته شدن را آسان‌تر می‌کرده است؛ برای نمونه، می‌توان به اُرسی‌های عمارت کاخ گلستان و کاخ صاحبقرانیه اشاره کرد که به علت بزرگی لنگه‌ها، به وسیلهٔ وزنه و با قراردادن قره‌قره‌هایی در بالای پنجره‌ها، برای باز و بسته کردن آن‌ها تعادل ایجاد شده است (امرايی ۱۳۸۳، ۴۴). مدرسهٔ هدایت شهر اردبیل نمونهٔ دیگری از این اُرسی‌ها داشته است.^۵ هرچند که این نمونه در نوع خود شایان توجه بوده، بیشتر اُرسی‌ها در اکثر نقاط کشور به روش گروه اول و به صورت کشویی و بدون استفاده از وزنهٔ سربی باز و بسته می‌شده‌اند. در نمونه‌های موجود، دستگیره‌های فلزی در دو نقطه بر روی بخش پایین لته‌ها نصب شده است (تصویر ۵).



تصویر ۵: نحوه بازکردن یک لته از سه لته ارسی اتاق گوشوار ضلع غربی عمارت آصف (خانه کرد)

۴. نقش و کارکرد ارسی در فضای معماری

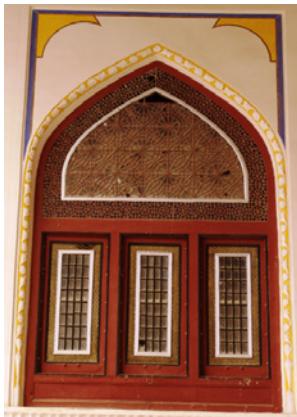
با توجه به اینکه ارسی‌ها در فضاهای مختلفی همچون خانه، مسجد، مدرسه، سراهای و حسینه‌ها کاربرد داشته است، تعداد و شکل آن‌ها بسته به محل استفاده از آن‌ها متفاوت بوده است. هرچند که ارسی در مرحله نخست، عنصری معماري محسوب می‌شود، در گام دوم به عنوان بخشی از آرایه معماري چشمگیرتر است. اين مسئله موجب شده تا به نقش تزئیني آن، بيش از عنصر معماري توجه شود؛ بنابراین، مهم‌ترین کارکرد ارسی، نقش تزئیني آن است که سطح وسیعی از فضای يك ساختمان را در نمای بیرون و بهویژه نمای داخل می‌پوشاند.

ارسی‌ها معمولاً به دليل استفاده از شیشه‌های رنگی و طيف ملایم رنگ‌ها مورد توجه بوده است. طبیعت نقش چشمگیری در تنوع رنگ ارسی‌ها داشته است. اين گوناگونی در رنگ‌ها جلوه‌ای ویژه به آرایه‌های داخل فضای کارشده، می‌داده است. شیشه‌های رنگی موجب می‌شده که فرد داخل اتاق به منظرة بیرون (حياط) اشراف کامل داشته باشد و در عین حال، از بیرون اتاق به سمت داخل چيزی دیده نشود. علاوه بر اين، رنگ‌های مختلف شیشه‌ها اکثراً دفع کننده حشرات موزی مانند پشه و مگس بودند. همچنین از تابش مستقيمه نور خورشيد به داخل اتاق و در تيجه، گرمشندي نامطبوع فضا در فصول گرم، جلوگيري می‌كردند (بزرگمهری و خدادادی ۱۳۸۹، ۲۰). ارسی‌ها در هدایت نور مناسب به داخل فضاهای نقش مهمی داشتند و در حالت بسته، نور ملایمی را در رنگ‌های مختلف به داخل اتاق هدایت می‌کردند؛ لذا ارتباط بصری به صورت‌های مختلف با محیط سرسبز حیاط یا باغ و گاهی بیرون ایجاد می‌شد.

ارسی‌ها افرون بر اينکه در شاهنشين يا فضای بزرگ قرار داده می‌شدند، در اتاق‌های سه‌دری، اتاق‌های گوشوار در فضای بين دو اتاق بزرگ در کنار هم، نيز جای گرفته‌اند (امرياي ۱۳۸۳، ۹۱-۹۲؛ بنابراین، ويژگي کارکردي ارسی به عنوان جداره‌ای مناسب بين دو اتاق و اختصاص حداقل جا در هنگام باز و بسته شدن است. در بناهای ملالطف الله (موзе سنندج) عمارت مشير و عمارت خسروآباد، ارسی‌های بزرگی نصب شده است؛ اما در هنگام باز و بسته شدن فضایي از تالار يا اتاق‌ها را اشغال نمی‌کنند. در نمونه‌های بررسی شده در اين نوشته، از ارسی دو لته (دولگه) تا هفت لته وجود دارد. اين موضوع بسته به نوع و اندازه فضا بوده است؛ بنابراین، ارسی در فضاهای معماري پيرامون حياط، در يك ضلع حياط، در دو ضلع روبيه‌رو، در چهارسوی حياط و گاهي در دو ضلع کنار هم متناسب با هم قرار گرفته‌اند. گاهي موقعیت ارسی‌ها در هر ضلع ساختمان با توجه به تركيب رنگی آن‌ها مشخص می‌شد. نمونه شاخص و درخور ذكر که اين شيوه در آن اجرا شده، بخش قصر عمارت خسروآباد و عمارت مشيرديوان است؛ برای نمونه، در دو سوي ضلع‌های جنوبی و شمالی ايوان اصلي عمارت مشيرديوان، به ترتيب از شیشه‌هایي با رنگ سرد و شیشه‌هایي با رنگ گرم در ارسی‌ها استفاده شده است. در قصر خسروآباد هم از شیشه‌هایي با رنگ گرم در جداره دوم اتاق‌های نشيمين در شمال و جنوب حوضخانه و از رنگ سرد در جداره بیرونی همان اتاق‌ها استفاده شده است.

۵. پیشینه اُرسی در سندج

سابقه تاریخی استفاده از اُرسی در کردستان به درستی مشخص نیست؛ زیرا تاکنون مدارکی که نشان دهد آثاری پیش از دوره صفوی در این منطقه بدست آمده باشد، وجود ندارد. بنا بر نوشه‌های مورخان محلی، تا پیش از اینکه شهر سندج به عنوان مقر حکام و والیان ارдلان انتخاب شود، روسایی به نام سنه بوده است. شهر سندج را سلیمان خان اردن در سال ۱۰۴۶ق، به فرمان شاه صفوی ساخت و در همان زمان، به عنوان مرکز ایالت کردستان و خاندان اردن انتخاب شد. سلیمان خان اردن به سرعت آبادانی شهر را آغاز کرد و مسجد، بازار، حمام، کاروانسرا و عمارت‌های متعدد ساخت (وقایع‌نگار کردستانی ۱۳۸۱، ۱۳۸۲؛ سندجی ۱۳۶۶، ۱۳۷۹؛ م Murdoch ۱۳۷۹، ۱۷؛ بابانی ۱۳۷۴، ۲۵۹). در این مقطع، هنرمندانی از شهر اصفهان برای ایجاد شهر و بناهای آن به سندج آمدند (Murdoch ۱۳۷۹، ۲۵۴). ساختارهای اصلی شهر سندج، با ساختارهای شهر اصفهان همچون چهارباغ، بازار در پیرامون یک میدان و... مقایسه شدنی است (نک: زارعی ۱۳۸۷، ۳۱-۳۰). در این دوره، محله‌ای برای بزرگان در پیرامون کهنتر ساخته شده که یک نمونه از خانه‌های آن، عمارت آصف‌دیوان است. سه نمونه از اُرسی‌های دوره صفوی در این بنا باقی مانده است. اُرسی‌های دوره صفوی در این بنا از نوع گره‌چینی پرکار است؛ بنابراین، قدمت استفاده از اُرسی در این شهر، در حدود چهارصد سال است. به نظر می‌رسد که اُرسی به عنوان یکی از هنرهای چوبی و تزئینات وابسته به معماری شهر سندج، از همین دوره^۷ مورد توجه قرار گرفته است (تصاویر ۶ و ۷).



تصویر ۶ نمای ایوان شمالی عمارت آصف (خانه کرد) که نمای اصلی اُرسی در زیر سقف ایوان داده شده و مربوط به دوره صفوی است (علوی ۱۳۸۸).

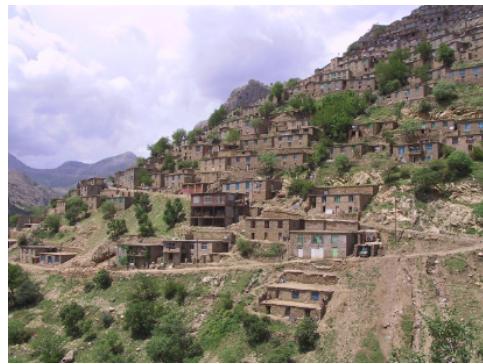
مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۴ - پاییز و زمستان ۹۲

۱۱۶

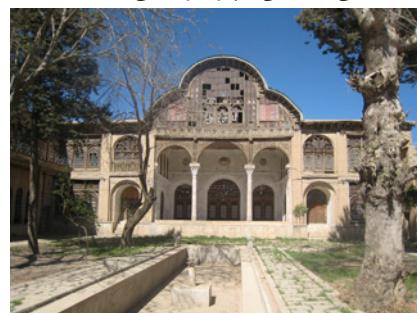
مدارکی که نشانی از وضعیت استفاده از اُرسی در دوره‌های افشاریه و زندیه باشد، وجود ندارد؛ زیرا در این هنگام، سندج دچار درگیری و آشوب بود؛ ولی در دوره قاجار آرامش به سندج بازگشت و در زمان فتحعلی‌شاه روند ساخت‌وساز در معماری و شهرسازی، شتاب و رونق گرفت (نک: وقایع‌نگار کردستانی ۱۳۸۱، ۱۳۸۲-۱۳۳۱؛ سندجی ۱۳۶۶، ۱۳۵-۱۳۵). اُرسی‌های موجود در بناهای سندج نشان می‌دهد که روند اُرسی‌سازی در دوره قاجار، رونق و گسترش فراوانی داشته است. در این دوره و در زمان امام‌الله‌خان، والی کردستان، به‌دلیل علاقه‌اش به ساخت‌وسازهای شهری، ساخت بناهای باشکوه با اُرسی‌های زیبا رونق یافت. بناهای بسیاری با کیفیت مطلوب و در پیمون بزرگ همانند مسجد‌مدرسه دارالاحسان، عمارت و چهارباغ خسروآباد و بناهای متعدد از جمله عمارت باغ گلستان و میدان والی، در مقابل ارگ حکومتی ساخته شد (اردن ۲۰۰۵، ۲۰۰). همچنین در این دوره، ساخت‌مانهایی همچون عمارت وکیل‌الممالک، مشیر‌دیوان، منزل مجتبی، امین‌الاسلام، شهابی، خورشیدلقا خانم، گله‌داری و حسینی و دهها بنای دیگر که عموماً در آن‌ها از اُرسی‌های رنگارنگ و متنوع در نقش و طرح استفاده شده بود، ساخته شد.

استفاده از اُرسی، معمولاً در ساختمان‌هایی با فضاهای وسیع، بهویژه برای پنجره‌ها با بازشویی بزرگ بوده است. سبک معماری بومی منطقه کردستان به‌گونه‌ای است که استفاده از پنجره‌های بزرگ را متنفسی می‌سازد؛ زیرا اقلیم منطقه در فصل سرد سال، وجود پنجره‌های بزرگ را در ساختمان‌های این محدوده بی‌نیاز می‌کند. تفاوت عمده معماری منطقه کردستان و بهطور کلی کوهپایه‌های زاگرس، با توجه به وضعیت ناهمواری‌ها با منطقه مرکزی ایران، امری بدینه است. این تفاوت‌ها موجب گردیده تا در استفاده از پنجره نیز متفاوت کار شده باشد. معماری شهر سنندج تا پیش از دوره صفوی، به سبک معماری منطقه زاگرس و مقایسه‌پذیر با مناطقی همچون ماسوله و ایانه بود که عموماً به صورت معماری پلکانی در کوهپایه ایجاد می‌شود. گواه این مدعای توپوگرافی شهر سنندج و بافت موجود معماری روستاهای اطراف آن است (زارعی، ۱۳۸۱، ۱۳۵-۱۳۶). نمونه‌های بازی این سبک معماری، آثار و بافت روستاهای منطقه ژاورود، اورامانات و پالنگان است که استفاده از پنجره‌ها مطابق با اصول معماری منطقه است (تصاویر ۸ و ۹).



تصویر ۹: نمایی از روستای اورامان تخت، شهرستان سروآباد با کامیاران با معماری پلکانی

استفاده از اُرسی به عنوان عنصر و آرایه بنایی مسکونی و ساختمان‌های کهن‌تر سنندج، متأثر از معماری سبک اصفهانی، بهویژه شهر اصفهان است. با توجه به بررسی‌های میدانی نگارنده درباره شهر سنندج (زارعی، ۱۳۸۶)، براساس نتایج گمانه‌زنی‌ها و بررسی‌ها (زارعی ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۲الف؛ ۱۳۸۲ب) در چند نقطه از شهر، معماری با سبک بومی کشف شد که آثار آن به طور عمده مربوط به پیش از دوره صفوی بودند؛ اما شواهد و آثار موجود نشان می‌دهد که سبک معماری سنندج از دوره صفوی، از معماری پلکانی به سبک معماری با حیاط مرکزی و درون‌گرا تغییر یافت (زارعی ۱۳۸۶، ۲۷۶-۲۵۶). در این دوره، روی‌آوردن به استفاده از فضاهایی با حیاط‌های متعدد، نماهای داخلی آجری، فضاهای اندرونی‌بیرونی، اتاق‌های سه‌دری، پنج‌دری، بادگیر (در عمارت‌آصف‌دیوان و شیخ‌الاسلام)، ایوان، طنبی و اُرسی مدد نظر بوده که در آن، ایوان‌ها، درگاه‌ها و مدخل‌های بزرگ، از عناصر اصلی ساختاری است و این سبک معماری هم نیازمند استفاده از اُرسی بوده است. علاوه بر اینکه اُرسی در اتاق‌های سه‌دری و پنج‌دری قرار داده می‌شده، در اکثر اتاق‌های گوشوار ساختمان‌های این شهر نیز از آن استفاده شده است (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰: نمایی از خلخ غربی حیاط اصلی عمارت مشیر‌دیوان سنندج. در طنبی و در زیر ایوان سه اُرسی، در دو سوی ایوان، در اتاق‌های گوشوار و سه‌دری‌ها در بالا و پایین اُرسی‌هایی به فراخور نصب شده است.

براساس بررسی‌های میدانی، شواهد و مدارک موجود همچون اُرسی از نوع گره‌های پوک (گره‌چینی که در آن شیشه استفاده نشده است) و اُرسی‌های باقیمانده در فضاهای اصلی ضلع شمالی عمارت آصف‌دیوان سندج که بنا آن مربوط به دوره صفوی است، می‌توان فهمید که اُرسی و استفاده از آن در تزئینات معماری شهر سندج از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار و اوایل پهلوی، مورد توجه بانیان و افراد مرتبط با حرفه ساختمان‌سازی و آرایه‌پردازان در معماری بوده است؛ بنابراین، بهنظر می‌رسد که در آغاز، اُرسی‌سازی در دوره صفوی، به عنوان تزئینات وابسته به معماری سندج در بناهای کهن‌تر و عمارت آصف‌دیوان به کار گرفته شده است. هرچند که از آثار بناهای کهن‌تر به جز تصاویری قدیمی و توصیف برخی مورخان محلی، اثری باقی نمانده است (سنندجی ۱۳۶۶، ۲۲۱)، آثار باقی‌مانده از اُرسی‌های دوره صفوی در ضلع شمالی عمارت آصف‌دیوان (خانه کرد)، گواه این مدعاست (نک: تصاویر ۵ و ۶). در عمارت خسروی، از اُرسی‌های دو لته با طرح گره‌چینی در پاتاق یا کتیبه و در سه‌دری‌های طبقه پایین و اتاق‌های گوشوار بالا و همچنین در تالار اصلی، از اُرسی سه لته بزرگ استفاده شده است (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱: نمای قصر خسروی در کهن‌تر سندج با نمونه‌های اُرسی‌ها با طرح‌های مختلف کار شده است. این بنا از آثار دوره صفوی است. زمان عکس‌برداری، دوره قاجار است. (منبع: کاخ‌موزه گلستان)

ساخت و سازهای شهری در نتیجه اقتصادی و ثبات سیاسی و اجتماعی شهر سندج و مرکزبودن آن و تثبیت موقعیت خاندان اردلان به عنوان والیان محلی در دوره قاجار، موجب شد که رویکردی نو و گستردگی به هنر اُرسی‌سازی معطوف گردد. با توجه به نمونه‌های باقیمانده و مدارک تاریخی، هنر اُرسی‌سازی در این دوره نیز، در سندج گسترش چشمگیری یافته است. اُرسی‌هایی در ابعاد بزرگ و با رنگ‌آمیزی روشن و متنوع‌تری ساخته شدند؛ برای مثال، می‌توان به اُرسی ضلع غربی عمارت آصف، اُرسی‌هایی عمارت خسروآباد و عمارت ملاطف الله شیخ‌الاسلام سندجی (موزه سندج) اشاره کرد. اگر طرح این اُرسی‌ها و اُرسی‌های قصر خسروی و اُرسی‌های دوره صفوی عمارت آصف‌دیوان با هم مقایسه شود، اُرسی‌سازان به تنوع طرح و ترکیبی تازه دست یافته‌اند. اُرسی‌ها در این دوره با ترکیبی از دو طرح اسلامی و گره‌چینی هم در پاتاق یا کتیبه و هم در لته‌ها ساخته شده است. در این دوره، لته‌ها به تدریج با طرح اسلامی و قوس‌دار، طراحی و ساخته شده و همچنین اُرسی‌هایی با طرح کامل اسلامی یا قواره‌بری با پاتاق یا کتیبه‌های دوردار ساخته شده‌اند (نک: تصویر ۱۶).

نمونه شاخص طرح اسلامی و گره‌چینی اُرسی عمارت ملاطف الله شیخ‌الاسلام سندجی (موزه سندج) است. این اُرسی از نظر ابعاد، کاری منحصر در منطقه است. طول این اُرسی $\frac{9}{50}$ و ارتفاع آن $\frac{5}{80}$ متر مساحت کلی آن $54/10$ مترمربع است، این اُرسی با طرح هفت لته (لنگه) با پیمون بزرگ ساخته شده است. هرچند کتیبه‌ای که نام سازنده بر آن درج شده باشد، در این اُرسی وجود ندارد، براساس نقل قول‌های شفاهی^۱ از آثار هنرمند سندجی به نام فرج‌الله نجاری‌باشی است (امرايی ۱۳۸۳، ۴۲). این اُرسی در بخشی از ساختمان تعییه گردیده که محل رتق و فتق امور به دعاوی بوده است. صاحب خانه قاضی القضاط ایالت کردستان در دوره قاجار بوده است (تصاویر ۱۲ و ۱۳).



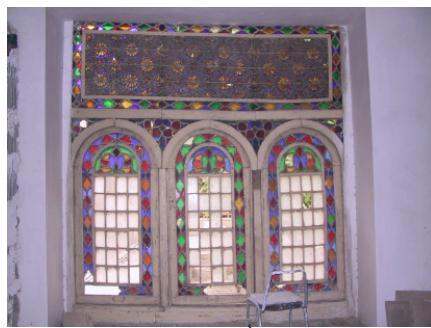
تصویر ۱۲: نمای بیرونی اُرسی عمارت ملاطف‌الله شیخ‌الاسلام سنتنج (موزه سنتنج)
تصویر ۱۳: نمای داخلی اُرسی عمارت ملاطف‌الله شیخ‌الاسلام سنتنج (موزه سنتنج)

در همین نوع کار، اُرسی بزرگ رو به حیاط خانه مجتهدی است. هرچند که این اثر از نظر طرح که ترکیبی از طرح اسلامی و گره‌چینی است، در خور مقابسه با اُرسی موزه سنتنج است، در برخی ریزه‌کاری‌ها تفاوت‌هایی با آن دارد. این اُرسی هم هفت لته (لنگه) و در پیمون کوچک ساخته شده و از نظر اندازه، کوچک‌تر از اُرسی موزه سنتنج است. استاد محمودی^۹ باور داشتند که این دو اُرسی توسط یک استاد کار ساخته شده‌اند؛ بنابراین، شباهت‌های کلی در این دو اثر، این فرضیه را تقویت می‌کند که به احتمال فراوان، استاد کار آن‌ها یک نفر بوده باشد. هرچند که این اُرسی آسیب بسیار دیده، بازسازی آن امکان‌پذیر است.^{۱۰} (تصاویر ۱۴ و ۱۵).



تصویر ۱۵: نمای داخلی اُرسی اصلی در ضلع جنوبی منزل
مجتهدی سنتنج دید از داخل تالار

مکان‌یابی اُرسی‌ها در فضاهای معماری با دقت و هماهنگی لازم صورت گرفته است؛ برای نمونه، اُرسی‌های حیاط‌های اندرونی و بیرونی عمارت مشیردیوان با طرح‌های اسلامی و در حیاط حمام، اُرسی‌ها با ترکیب اسلامی و هندسی ساخته شده است. در اُرسی‌های حیاط حمام عمارت مشیردیوان، در پاتاق یا کتیبه از طرح هندسی و در لته‌ها از طرح اسلامی استفاده شده است. این دو اُرسی با یک طرح و مشابه هم ساخته شده‌اند (تصاویر ۱۶ و ۱۷).



تصویر ۱۷: نمای داخلی اُرسی ضلع جنوبی حیاط حمام در
عمارت مشیردیوان

تصویر ۱۶: اُرسی ضلع غربی در ایوان حیاط تشریفات
(بیرونی) با طرح اسلامی عمارت مشیردیوان سنتنج

در برخی ساختمان‌ها، از دو طرح اسلامی و گره‌چینی اُرسی استفاده شده است. نمونهٔ شاخص این سبک کار، اُرسی بزرگ عمارت وکیل‌الملک است. در دو سوی این اُرسی بزرگ که پاتاق آن گره‌چینی پرکار است، دو اُرسی با طرح اسلامی قرار داده شده است. این اُرسی یکی از آثار منحصر به فرد در طرح‌بزی و ترکیب رنگ‌بندی شیشه است. در این اُرسی، طرح‌های گره‌چینی یا هندسی بر طرح اسلامی غلبه یافته است.

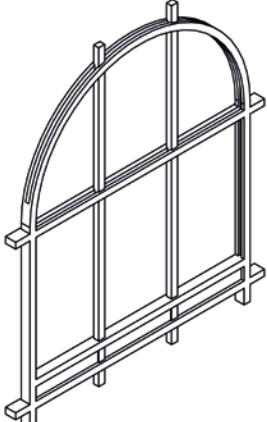
در عمارت خسروآباد سنندج نیز، از اُرسی‌هایی با طرح اسلامی کامل استفاده شده است. این اُرسی‌ها حتی از نظر ترکیب رنگ هم با گونه‌های طرح اسلامی سایر عمارت‌های متفاوت‌اند. گرایش به برون‌گرایی در این ساختمان، به مراتب شایان توجه بوده است؛ زیرا سه اُرسی در تالاری نصب شده که روی به سوی بیرون یا چهارباغ مقابل عمارت دارد (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸: نمای داخل تالار ساختمان سردر عمارت خسروآباد با اُرسی‌های سه‌گانه در ضلع شرقی روی به سوی شرق یا چهارباغ خسروآباد اُرسی مرکزی با طرح اسلامی و گردان است و دو اُرسی کناری هم با طرح اسلامی است؛ اما پاتاق یا کبیه آن‌ها طرح جقه است که تکرار شده است.

نمونه‌ای دیگر از اُرسی‌های شهر سنندج که طرح آن ترکیبی از قاب‌بندی مستطیل‌شکل در بخش بالا با شیشه‌شده سفید، گره‌چینی و اسلامی در بخش پایین (لتله‌ها) است. این اُرسی در ضلع غربی عمارت اصفهان قرار دارد. در این اُرسی، طرح اسلامی در لته‌ها و طرح قاب‌بندی شیشه‌های مستطیل و گره‌چینی در حاشیه پاتاق یا کتیبه از ابتکارات اُرسی‌سازان اواخر دوره قاجار است. ساخت این اُرسی را به استاد نعمت‌الله از بنیان‌گذاران نازک‌کاری سنندج نسبت می‌دهند (نعمتیان، مصاحب‌شونده ۱۳۹۰/۱۲/۲۸) که در اواخر دوره قاجار به تاریخ ۱۳۴۴ قمری ساخته شده است. این تاریخ بر روی آینه‌کاری لته وسطی نوشته شده است.^{۱۱} این اُرسی کاملاً سالم مانده است. طرح اسلامی دو تا از لته‌ها که در بالا انتزاع شده، دو مرغ (طاوس) هستند.

اُرسی‌سازی هنری است که هم‌زمان با ایجاد شهر سنندج، به عنوان مرکز ایالت کردستان در دوره صفوی، با حضور هنرمندان و معماران اصفهانی در سنندج رایج شد. برای اثبات این فرضیه، رجوع به گونه و سبک معماري اصفهانی که در این دوره در شهر سنندج ایجاد شده است، لازم است. اگرچه تعداد زیادی از اُرسی‌های شهر سنندج، بر اثر عوامل مختلف از بین رفته است، خوشبختانه تعداد زیادی از آن‌ها هنوز باقی مانده است. این اُرسی‌ها از نظر مصالح و طرح و رنگ، دارای ویژگی‌های هستند که برخی از آن‌ها به صورت خاص و در برخی موارد، مشترک با اُرسی‌های در سایر نقاط ایران هستند. چنان‌که اشاره کردیم، اُرسی در آغاز در بناء‌های حکومتی (کهندز)، عمارت‌ها و بناهای اعیان و بزرگان شهر استفاده شده است. اُرسی‌های فراوان و گونه‌گون شهر سنندج نشان می‌دهد که استفاده از این عنصر، علاوه بر اینکه در بناء‌های حکومتی و اعیان مرسوم و معمول بوده، در خانه‌های بازاریان و عامه مردم هم رواج و گسترش یافته است. گواه این مدعای نمونه اُرسی‌هایی در مقیاس کوچک است. در اینجا این فرضیه تقویت می‌شود که هنرمندان بسیاری در این حرفه فعال بوده‌اند. این عامل موجب رقابت در میان هنرمندان از یک سو و از سوی دیگر، به وجود آمدن طرح‌های بدیع و متنوع در اُرسی است. نمونه‌هایی که از آثار اُرسی‌های خانه‌های قدیمی از دوره



تصویر ۱۹: طرح یک چهارچوب اُرسی سه لنه (سه لنگه) که در محل نصب می‌گردد (ترسیم: محمدیان منصور).

قاجار در شهر سنندج به جای مانده و وجود هنرمندانی با نام نجارباشی، نشانگر اوج رونق هنر اُرسی‌سازی در سنندج، هم‌زمان با حکومت قاجار است که از سوی والیان کردستان نیز، حمایت‌های جدی از این هنر صورت گرفته است.

۶ شرایط ایستایی و پایداری در اُرسی‌ها

ساختمار اُرسی‌ها به گونه‌ای است که سطح وسیع و گسترهای دارند. این شرایط در همه اُرسی‌های ایران یکنواخت است و درباره اُرسی‌های سنندج هم صدق می‌کند. پرسش شایان مطرح در اینجا این است که چه عواملی موجب ایستایی و پایداری اُرسی‌ها بوده است؟ این پایداری به عوامل گوناگونی بستگی داشته است. عامل نخست، ساختار اُرسی است که براساس پیمون (مقیاس) طراحی و ساخته شده است. استفاده از پیمون موجب پایداری اُرسی‌ها با سطح گسترده بوده است. علاوه بر اجرای دقیق و درست که موجب پایداری اُرسی شده، استفاده از چوب مناسب که خوب، درست و خشک شده باشد، نیز مؤثر بوده است. در کنار این کار، روکوبی چوب‌هایی همچون چنار برای به کاررفتن در وادارها انجام می‌شده است. اقدامات دیگری که در ایستایی و پایداری اُرسی‌ها مؤثر بوده، قراردادن قطعات چوب اُرسی پس از خشکشدن کامل، در روغن بزرگ جوشان بوده است (تصویر ۱۹).

عوامل مهم دیگری که در پایداری اُرسی‌ها بسیار مؤثر بوده، ساخت جداره بیرونی برای حفاظت اُرسی با قاب‌بندی شیشه‌های بزرگ سفید است. نمونه شاخص این شیوه که سالم مانده، اُرسی عمارت ملالطف‌الله (موزه سنندج) است. نصب اُرسی در زیر ایوان یا سایه‌بان و استفاده از پرده‌های بزرگ پارچه‌ای سفیدرنگ برای جلوگیری از تابش شدید آفتاب و بارش باران و تابش آفتاب بوده است.^{۱۲} در حاشیه پایین این پرده‌ها زنجیری قرار داده می‌شد تا پرده صاف قرار گیرد. بر روی حاشیه پایین پرده، طناب‌هایی قرار داشته تا پرده را با میخ‌های حلقه‌دار که در کف حیاط و در مقابل اُرسی نصب شده، وصل کند. این اقدام مانع از حرکت پرده می‌شد؛ برای نمونه، برای حفاظت از اُرسی‌های عمارت مشیردیوان و موزه سنندج، از پرده استفاده شده است. هنوز میخ‌های حلقه‌دار در مقابل ایوان اصلی عمارت مشیردیوان باقی مانده است.^{۱۳}

۷. مواد و مصالح در اُرسی سنندج

هرچند که برای ساخت اُرسی از مواد و مصالح مختلفی استفاده می‌شده، باید پذیرفت که مدارک و شواهد موجود نشانگر این است که از بهترین و باکیفیت‌ترین مصالح بهره برده‌اند؛ زیرا اُرسی علاوه بر اینکه عنصری از عناصر ساختمان محسوب می‌شده، نوعی آرایه پرهزینه هم بوده است؛ بنابراین، برای ساخت و ماندگاری آن از مصالح مناسب که بهوسیله استادکاران ماهر انتخاب و به عمل می‌آمده، استفاده شده است. مواد و مصالحی که برای ساخت اُرسی در شهر سنندج استفاده شده، همانند سایر نقاط ایران به ترتیب، چوب و شیشه و فلز است.

۷-۱ چوب

استان کردستان به دلیل داشتن وضعیت اقلیمی خاص، دارای انواع چوب‌ها همچون گردوبی تیره و روشن در منطقه اورامان، گلابی وحشی، بلوط ایرانی، بلوط، مازو، سنجد، زالالک، ون، نارون، سقز، کیکم، پسته وحشی، زبان گنجشک، بادام جنگلی، بُنه، دیون، شن‌با، پالفور، افرا و داماز است. گونه‌های دیگری همانند چنار، سرو، بید، درختان سیب و گلابی اهلی، زرداًلو، آلو و کاج وجود دارند (نیجفی ۱۴۶۹، ۳۷۸)، ولی بیشترین استفاده در ساخت آثار چوبی، از گونه‌های مذکور است.

در سنندج از دیرباز برای کاربردهای هنری و صنایع دستی از چوب درختانی همانند، چنار، نارون، زبان گنجشک، افرا، بنه، گلابی و گردو استفاده می‌شده است. این چوب‌ها را معمولاً در ساخت درها، پنجره‌ها، اُرسی، کارهای نازک کاری و میز و صندلی به کار می‌گرفته‌اند.

یکی از گونه‌های مناسب چوب برای کار نجاری و اُرسی‌سازی، گردو است. چوب گردو به علت خاصیت تورق از نظر نجاران محلی (سنندجی)، چوبی انعطاف‌پذیر است و قابلیتی خوب برای تراش و رنده‌شدن دارد. همچنین از خاصیت رنگ‌پذیری و مقاومت زیادی بخورد دار است که در ساخت اُرسی‌ها، درها و پنجره‌ها، نازک کاری، منبت، معرق، خراطی و گره‌چینی استفاده می‌شود. هرچند که این مسئله موجب شده که از چوب گردو در سطح گسترده

و در بخش‌های مختلف اُرسی استفاده شود، ساختار اصلی یا چهارچوب اُرسی در این شهر، عموماً به چند دلیل از چوب چنار است: نخست اینکه ارتفاع در خور توجهی دارد و برای اُرسی‌های بزرگ و با ارتفاع بلند، از تیپرهای چوبی جنس چنار که به «وادار» هم معروف هستند، استفاده شده است؛ دوم اینکه بدراحتی در منطقه بدست می‌آید. در این ارتباط، باید اشاره کرد که چوب گردو ارتفاع کمتری دارد؛ سوم اینکه از نظر وزنی هم وزن کمتری نسبت به چوب گردو دارد. درنهایت، روی چوب چنار که به عنوان وادارها در ساختار اصلی اُرسی‌ها قرار دارند، از روکوب گردو استفاده شده است. روکوب با میخ‌های چوبی و فلزی نصب شده است. برای ساخت آلت‌هایی با طرح‌های اسلامی و ختایی از چوب چنار منطقه که انعطاف پیشتری در مقایسه با گردو دارد، استفاده می‌شود؛ درحالی که برای طرح‌های هندسی که عموماً گره هستند، از چوب گردو استفاده شده است؛ زیرا قطر و ضخامت کمتری نسبت به طرح اسلامی یا قواره‌بری دارند.

۷-۲. شیشه

اُرسی ترکیبی از چوب و شیشه است. روش تهیه شیشه و سپس استفاده از آن، در قدیم به عنوان پرسشی اساسی مطرح بوده است. براساس نقل قول برخی استاد کاران محلی^{۱۴}، در پاره‌ای موقع که تهیه شیشه به سهولت امکان‌پذیر نبود، استاد کاران قدیمی که در کار شیشه‌گری مهارتی داشتند، شیشه‌ها را خود می‌ساختند. در این روش، شیشه‌های زائد را جمع‌آوری و به صورت مجزا ذوب می‌کردند و دوباره آن‌ها را حرارت می‌دادند، سپس آن‌ها را به وسیله رنگ‌های طبیعی و گیاهی دست‌ساز، رنگ‌آمیزی می‌کردند. در هنگام ذوب و حرارت شیشه، برای رنگ‌آمیزی آن از ساقه گندم و گل زرد برای رنگ زرد و برای قرمز از گل شقایق و پوست انار استفاده می‌شده است. هنگامی که آب‌های رنگی را صاف می‌کردند و آن‌ها را در دیگ‌ها می‌ریختند، پس از بخارشدن آب، رنگ آن با شیشه مخلوط و سپس آماده می‌گردید. در مرحله بعدی، آن‌ها را روی سطح صافی که چرب شده بود تا شیشه به آن نچسبد، پهنه می‌کردند. در بی این کار، طرح شیشه‌ها را با توجه به ترکیب رنگ و قطعات مختلف، روی شیشه می‌کشیدند و پس از سردشدن، آن را قطعه قطعه می‌کردند و آماده کار می‌شد. به نظر می‌رسد که این روش در بسیاری از نقاط ایران مرسوم بوده است. شیشه‌های رنگارنگ را در شیارهایی که در قواره‌بری و قطعات کوچک و ریزگرهای اُرسی ایجاد می‌شد، جای می‌دادند. این کار بدون استفاده از «زووار» یا «بتانه» انجام می‌شد. قطعات شیشه در اندازه‌های لازم، طراحی می‌شد و برش می‌خورد. در پاره‌ای موقع، برای جاندزای شیشه‌ها ناچار بودند در هنگام کار، مقدار اضافه شیشه‌ها را با انبردست‌هایی مخصوص ببرند. پس از آن، شیشه در جای مورد نظر قرار داده می‌شد.

۷-۳. آینه

آینه هم یکی از مصالح جنبی در تکمیل زیبایی‌های اُرسی‌ها در بیشتر نقاط کشور، به ویژه شهر سنندج است. در برخی از اُرسی‌های سنندج، از آینه، هم در طرح‌های اسلامی و هم در طرح‌های هندسی استفاده شده است که معمولاً یک شکل خاص را شبیه به یک ترنج، مرغ انتزاع شده، نشانه فروهر و گره هشت، دوازده و شانزده ایجاد می‌کرد. در اُرسی‌های عمارت‌آصف‌دیوان، عمارت مشیر‌دیوان، موزه سنندج و عمارت خسرو‌آباد و عمارت وکیل، از آینه استفاده شده است. آینه علاوه بر ایجاد زیبایی و درخشندگی در اُرسی‌ها موجب انعکاس نور هم می‌شد. از آینه برای روکوب وادارها در نمای داخلی و بیرونی اُرسی نیز استفاده می‌کردند.

۷-۴. فلز

اگرچه اُرسی را با چوب و شیشه رنگی می‌شناسند، هنرمندان اُرسی‌ساز برای اتصال برخی قطعات ناچار بودند که از ابزارهای فلزی استفاده کنند. نقش فلز که رنگ‌تر از شیشه و چوب است؛ به همین دلیل، فلز در ساخت و تکمیل اُرسی‌ها در درجه دوم قرار داشت. ابزارهای فلزی همچون گل‌میخ، خروسک یا چفت و ریزه در ساخت اُرسی کاربرد داشته است. از گل‌میخ‌ها برای نصب روکوب‌های وادارها استفاده می‌شد. چفت و ریزه‌های (خروسک‌ها) فلزی برای نگهداری لته‌ها (لنگه درها) در هنگام باز کردن آن‌ها بود. در نگهداری لته‌های (لنگه‌ها) اُرسی خروسک‌ها نقش اساسی دارند. قطعاً در اُرسی، ابزاری چوبی با ظرافت خروسک‌ها تحمل وزن و نگهداری لته‌ها را ندارند. این خروسک‌ها (چفت و ریزه‌ها) و حلقه‌های فلزی در روی وادار قرار داشت و نوک خروسک در حلقة جای می‌گرفت.

علاوه بر ابزارهای فلزی، دستگیرهای فلزی به صورت جفتی هم بر روی بخش پایین لته‌ها نصب می‌شد و به وسیله آن‌ها لته‌ها به صورت کشویی باز می‌شد (تصاویر ۲۱ و ۲۰).



تصویر ۲۰: گل‌میخ‌های استفاده شده در ارسی موزه سنتنچ
تصویر ۲۱: دستگیرهای فلزی برای بازکردن لنگه ارسی موزه سنتنچ



۸. طراحی و ساخت ارسی در سنتنچ

در شهر سنتنچ همچون سایر نقاط کشور، نخست ارسی توسط استادکار این حرفه طراحی می‌شد. سپس طی مراحلی به ترتیب، چارچوب اصلی و لنگه‌ها و قطعات گره یا قواره‌بری آماده می‌شد. این مراحل انجام کار از جمله ساخت قطعات ریز و درشت گره‌ها، قواره‌ها، شیشه و آینه، توسط استادکار طراحی و سپس نصب و تکمیل می‌گردید.

۸-۱ طراحی و ساخت

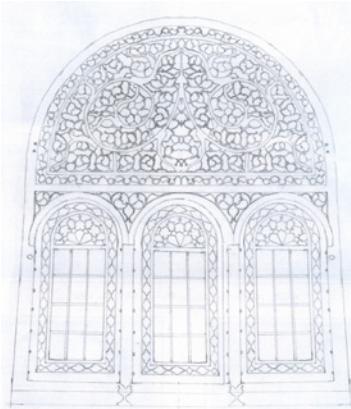
استاد ارسی‌ساز با توجه به نوع فضایی که ارسی در آن جای می‌گرفت، ابتدا طراحی و سپس مراحل ساختن را انجام می‌داد؛ بنابراین، برای ساخت یک ارسی مراحل مختلفی باید طی می‌شد تا یک ارسی شکل و قوام یابد و در جای اصلی آن نصب گردد. به طور خلاصه، می‌توان به ترتیب، به طراحی و انتخاب چوب مناسب، برش، پرداخت، رنگ‌آمیزی، ترکیب و جاناندزی آلت‌ها و شیشه‌های ارسی اشاره کرد. اگرچه این روش در بسیاری از مناطق ایران مشترک است، نوع طرح و ترکیب‌بندی متفاوت است. تفاوت هم در استفاده از طرح‌های اسلامی در قالب سه مجلسی و یا چهار و پنج مجلسی در کتیبه‌های لته‌هاست. این کار در ارسی بزرگ عمارت مشیردیوان هم در دوردار در مقیاس بزرگ، بیانگر این ویژگی است (نک: تصویر ۱۵). در ارسی‌هایی با طرح‌های ترکیبی گره‌چینی و اسلامی (قاره‌بری)، هم این اصول در ترکیب و ابعاد و اندازه رعایت شده است (نک: تصویر ۱۶)؛ در حالی که برای مثال، ارسی‌هایی که هم‌زمان در شیراز عمارت نارنجستان یا در عمارت بادگیر یزد ساخته شده‌اند، قالب و طرح کلی متفاوتی در نوع طرح و حتی رنگ شیشه دارد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که عوامل مهمی همچون اقلیم، سلیقه هنرمندان و خواست بانیان و سفارش‌دهندگان در این تفاوت و ایجاد سبکی با ویژگی بومی محلی تأثیر داشته است.

براساس بررسی‌های میدانی انجام‌گرفته، ارسی‌ها از دو قسمت تشکیل شده است: ۱. چشم‌پا لنگه دری؛ ۲. پاتاق یا کتیبه. این بخش به دو شکل مدور (قوسی) و مستطیل شکل (راست‌گوشه) ساخته می‌شد. ارسی‌ها معمولاً به دو صورت دوجداره و یک‌جداره، ساخته می‌شد تا در مواجهه با تعییرات اقلیمی محافظت شوند. اگر ارسی در زیر سقف نصب می‌شد، نمای اصلی به سمت حیاط قرار داده می‌شد؛ همانند ارسی‌های ضلع شمالی و ضلع غربی عمارت آصف (نک: تصاویر ۷ و ۱۶). بنا به نقل قول استادان ارسی‌ساز سنتنچی، منظور از نمای اصلی، نمایی است که رنگ و طرح، بیشترین جلوه را دارد. اگر هیچ عنصری برای محافظت ارسی‌ها وجود نداشت، نمای اصلی به داخل فضایی که در

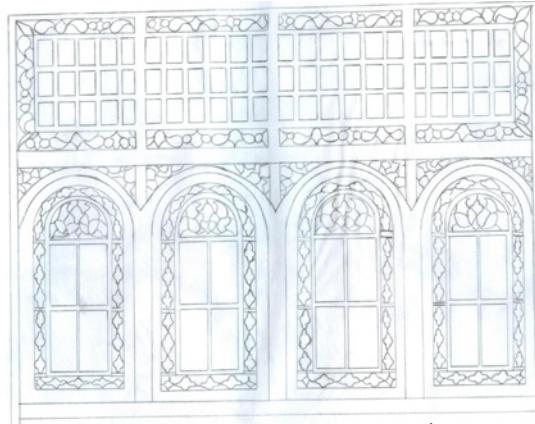
آن قرار داشت، ساخته می‌شد؛ نمونه در خور توجه، ارسی بخش بیرونی عمارت ملاطف الله شیخ‌الاسلام سنندجی (موزه سنندج) است (نک: تصویر ۱۱). در این وضعیت، جداره بیرونی بخش پاتاق یا کتیبه را با یک قاب که از چوب و شیشه سفید ساخته شده بود، محافظت کرده است. بررسی‌های میدانی بر روی ارسی‌ها در شهر سنندج نشان می‌دهد که ارسی‌ها به صورت دولنگه، سه‌لنگه، چهارلنگه (به ندرت)، پنج‌لنگه و هفت‌لنگه، با توجه به ابعاد و اندازه فضای مذکور ساخته می‌شد. ارسی‌ها را هم براساس ابعاد و اندازه نماهای اصلی فضاها که سه‌دری، پنج‌دری و هفت‌دری بوده، می‌ساختند. هرچند که از ارسی‌های دولنگه و چهارلنگه یا با تعداد لنگه‌های زوج در بناهای سنندج هم به ندرت استفاده شده است، ارسی با تعداد لنگه‌های فرد بیشتر ساخته شده است. در ضلع غربی عمارت آصف‌دیوان، ارسی با طرح چهار لته (لنگه) ساخته شده که در سال‌های اخیر هم مرمت شده است.

ارسی‌های سنندج از نظر طرح به چند گروه تقسیم می‌شوند: ارسی‌های گروه نخست با طرح‌های گره‌چینی یا هندسی؛ گروه دوم با طرح اسلیمی یا دوردار و گروه سوم با ترکیب طرح‌های اسلیمی و گره‌چینی. انواع گره‌ها و طرح‌های اسلیمی در ساخت ارسی‌ها به کار رفته است. نوع گره‌هایی که در ارسی‌ها استفاده شده، گره‌های هشت، دوازده و شانزده هستند. ارسی‌های سنندج از نظر ساختار کلی، در چهار گروه بررسی و مطالعه شده‌اند:

(الف) نوع انحنادار (طرح اسلیمی و ختایی): این گونه کار به قواره‌بری نیز معروف است. در این نمونه‌ها از طرح‌های اسلیمی و گل و بته و گاهی پرزدگان انتزاعی استفاده می‌شده که معمولاً آینه‌کاری یا ساده است. در این نوع ارسی، وادارها از چنار تبریزی، شاسی‌ها اغلب از گرد و گره‌ها از چنار ساخته شده است. بهترین نمونه‌های این طرح در عمارت آصف‌دیوان، خسروآباد، مشیر‌دیوان موجودند که عموماً با طرح اسلیمی (انحنادار) ساخته شده است (تصاویر ۲۲ و ۲۳).



تصویر ۲۳: طرح ارسی چهارلنگه با طرح اسلیمی یا قواره‌بری و پاتاق یا کتیبه کنیه دوردار ارسی ایوان اصلی در بیرونی (اصلی) عمارت مشیر‌دیوان سنندج (بیگی ۲۳، ۳۸۴)



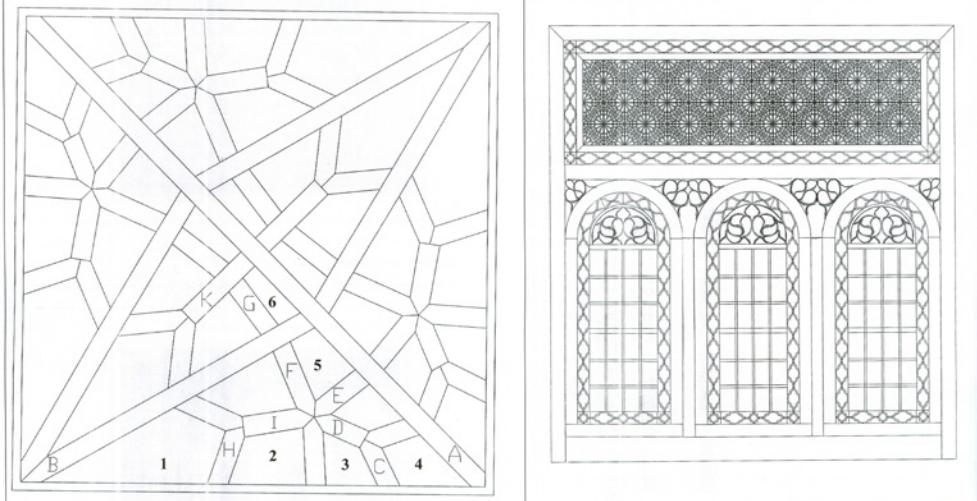
تصویر ۲۲: طرح ارسی چهارلنگه با طرح اسلیمی یا قواره‌بری و پاتاق یا کتیبه تخت در ضلع غربی عمارت آصف‌دیوان

(ب) نوع زاویدار (مشبک هندسی یا گره): این گونه ارسی‌ها به طرح‌های هندسی نیز در ترتیبات معماری ساخته شده هستند و عموماً دارای گره‌های مختلف هستند، دوازده و شانزده و گاهی نیز هستند که ممکن است با آینه‌کاری در حاشیه و یا به صورت ساده ساخته شده باشند. در شاسی این طرح‌ها اکثراً از گرد و در وادارها از چوب چنار استفاده شده است. ارسی‌های قدیمی در ایوان اصلی عمارت آصف‌دیوان از نمونه‌های بارز این گروه‌اند (تصویر ۲۴).

(ج) نوع گره‌های ترکیبی مشبک هندسی و اسلیمی: در گونه‌ای از ارسی به کار رفته که فقط در سنندج ساخته شده است. طرح آن‌ها از ترکیب طرح‌های اسلیمی و هندسی، شاسی این طرح‌ها از چوب گرد و ستون‌ها از چوب چنار و طرح‌های هندسی از چوب گرد و طرح‌های اسلیمی از چوب چنار استفاده شده است. نمونه‌های این طرح‌ها در ارسی‌های عمارت ملاطف الله شیخ‌الاسلام سنندجی (موزه سنندج)، خانه مشیر‌دیوان و کیل‌الممالک می‌توان نام برد (تصاویر ۲۵ و ۲۶).



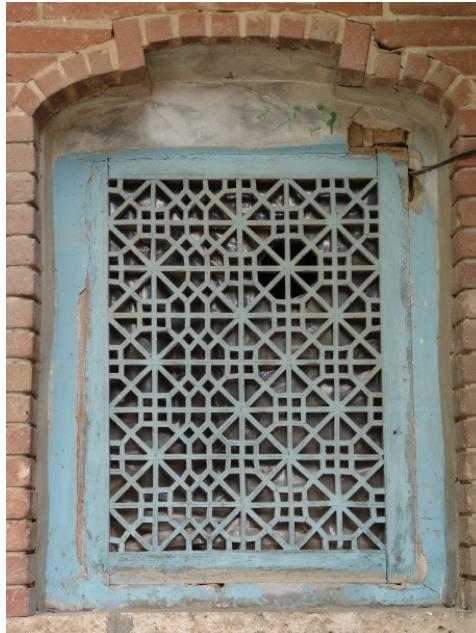
تصویر ۲۴: ارسی با طرح گره‌چینی هندسی و پاتاق دوردار داخل ایوان شمالی عمارت آصف‌دیوان (خانه کرد) از آثار دورهٔ صفوی



تصویر ۲۶: طرح نمونه‌ای از گره‌های بخش پاتاق یا کتیبه ارسی حیاط حمام عمارت مشیردیوان سنندج (همان، ۳۳)

تصویر ۲۵: طرح ترکیب اسلیمی یا دوردار در لته‌ها و گره‌چینی در پاتاق یا کتیبه در ارسی حیاط حمام عمارت مشیردیوان (بیگی ۱۳۸۴، ۳۲)

د) گونه گره پوک: نوعی از گره است که خالی از شیشه است و فقط از چوب ساخته شده است. در این گونه کارها وسط گره‌ها بدون شیشه و خالی می‌ماند. این روش در بسیاری از نقاط ایران از دوره‌های پیش از صفوی هم معمول بوده و سپس در سنندج هم رواج یافته است. نمونه باقی‌مانده در عمارت آصف از دوره صفوی^{۱۵} و نمونه‌های مشبّک باقی‌مانده در حجره‌های مسجد‌درسه دارالاحسان از دوره قاجاریه است. در این طرح، شاسی‌ها و گره از چوب گرد و است؛ ولی اگر مشبّک پوک اسلیمی باشد، از چوب چنان در شاسی و اسلیمی‌ها استفاده می‌شود (تصاویر ۲۷ و ۲۸).



تصویر ۲۸: گره پوک حجره‌های مسجد‌درسه دارالاحسان سنندج از آثار دوره قاجار



تصویر ۲۷: گره پوک داخل شاهنشین عمارت آصف‌دیوان سنندج از آثار دوره صفوی

با توجه بدان‌چه اشاره شد، اُرسی‌سازان سنتدجی در پی طراحی و ساخت طرح‌های گره‌چینی یا هندسی و قواره‌بری با بافت و ساختار ریز و پرکار بوده‌اند. این ویژگی در بخش‌های مختلف اُرسی‌های موجود دیده می‌شود. در کنار این ویژگی، می‌توان به تنوع رنگ‌آمیزی در شیشه‌های لته‌های اُرسی‌ها اشاره کرد؛ یعنی هریک از لته‌های اُرسی یا بهصورت قرینه از نظرِ ترکیب رنگ متفاوت بودند و این موجب تنوع رنگ کلی اُرسی می‌شد.

۸-۲. رنگ‌آمیزی اُرسی

در نمونه‌های موجود از اُرسی‌های سنتدج، بهندرت از رنگ استفاده شده است. نحوه رنگ‌آمیزی اُرسی در گذشته با توجه به وضعیت اقلیمی، بهویژه در برابر تابش خورشید و بارش باران، در فضای داخلی و خارجی انجام می‌گرفته است.

(الف) اُرسی‌ها و درهایی که در مجاورت سرما و برف، در نمای بیرونی ساختمان قرار داشته‌اند، معمولاً توسط موم و پی (چربی حیوانی) چرب می‌شدنند تا استحکام لازم در چوب ایجاد شود و آب و سرما در آن نفوذ نداشته باشد. پس از آن، از لاکالکل و پارافین به عنوان لایه دومی با پارچه نرم و یا پنبه روی چوب‌ها کار انجام می‌شده است. این کار علاوه بر اینکه بر استحکام و مقاومت چوب افزود، بافت چوب را به خوبی نمایش می‌داد.

(ب) اُرسی‌هایی که در مجاورت نور مستقیم خورشید قرار داشته‌اند، فقط با روغن بَرَزَگ چرب می‌شدنند و در پارهای مواقع، به دلیل برآقی از روغن زیتون نیز استفاده می‌کردند. در چند دهه گذشته در تعمیرات درها، بهویژه اُرسی‌های قدیمی، از رنگ و روغن و بهخصوص پولیستر بهصورت نادرست استفاده شده که متأسفانه باعث آسیب‌رسانی به چوب آن‌ها شده است.

(ج) اُرسی‌هایی که در داخل فضاهای بهویژه در فاصلهٔ تالارهای پذیرایی قرار داشتند و جای آن‌ها از سرما و رطوبت باران و برف دور بود. برای این اُرسی‌ها فقط از روش لاکالکل که برآق و بسیار زیبا هم بود، استفاده می‌کردند.

۹. رنگ و شیشه در اُرسی‌های سنتدج

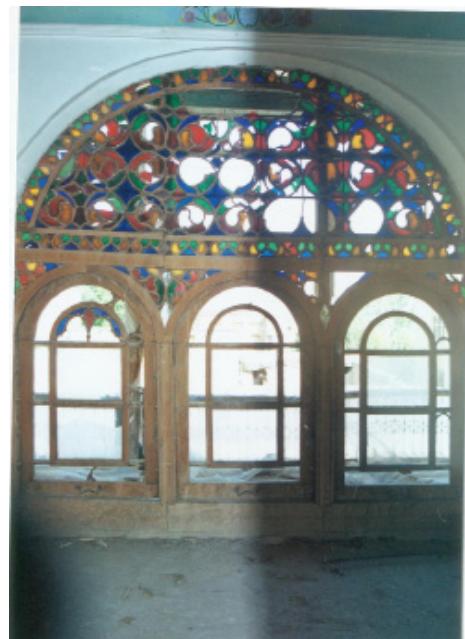
ترکیب رنگ در اُرسی‌های سنتدج با توجه به ذوق و سلیقه هنرمندان و سفارش‌دهندگان از یک سو و طبیعت منطقه از دیگر سو مهم است؛ زیرا سابقاً ساخت اُرسی به مناطق مرکزی بازمی‌گردد. به هر حال، رنگ‌ها اصولاً متنوع و شاد هستند. نکتهٔ ذکر شدنی این است که هنرمندان در بخش‌های مختلف مرکزی بازی می‌گردند. به هر حال، رنگ‌ها اصولاً از رنگ‌هایی متناسب با آن بخش به کار می‌برده‌اند. در اُرسی‌های عمارت مشیردیوان در دو بخش ضلع غربی، دو نوع طیف رنگ استفاده شده است. رنگ‌های سرد در بخش تابستان‌نشین کاربرد داشته که شامل رنگ‌های بنفش و آبی و سبز است. در بخش زمستان‌نشین هم در طبقهٔ بالا و پایین از رنگ‌های گرم، شامل زرد، قرمز و صورتی استفاده شده است. این بخش در عمارت مشیردیوان، در موقعیتی قرار گرفته است که آفتاب کمتری به آن‌ها می‌تابد و لزوم به کارگیری از شیشه‌های با رنگ گرم اجتناب ناپذیر بوده است. استاد اُرسی‌ساز به این موضوع در اُرسی‌های عمارت خسروآباد هم توجه کرده است. نکتهٔ دیگری که در ارتباط با ترکیب‌بندي رنگ شیشه‌ها گفتنی است، مسئلهٔ طبیعت زیبا و گونه‌گونی رنگ‌های سنتدج است. منطقهٔ کردستان این ویژگی را دارا بوده و این مسئله در ترکیب‌بندي و رنگ‌آمیزی شیشه‌های اُرسی‌های این شهر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

۱۰. اُرسی‌سازهای سنتدجی

اگرچه اُرسی‌های بسیاری در شهر سنتدج وجود دارد، متأسفانه نام هنرمندان بر جستهٔ این هنر کمتر در روی آن‌ها ضبط و ثبت شده است. این مسئله از دو حال خارج نیست: نخست اینکه صاحبان و سفارش‌دهندگان راضی به ثبت نام هنرمندان نمی‌شده‌اند؛ دوم، احتمالاً این هنرمندان با توجه به مناعت طبع و عزت نفسی که داشته‌اند، علاقه‌مند به معرفی خود نبوده‌اند. تاکنون یک نسخه سند حکم مربوط به یکی از نجاران بر جسته سنتدجی به دست آمده که عنوان «تجاریاشی» داشته است. وجود اُرسی‌های متعدد در شهر سنتدج گواه این واقعیت است که در زمینهٔ اُرسی‌سازی، هنرمندان بسیاری فعالیت داشته‌اند (سند شمارهٔ ۱ و جدول ۱).

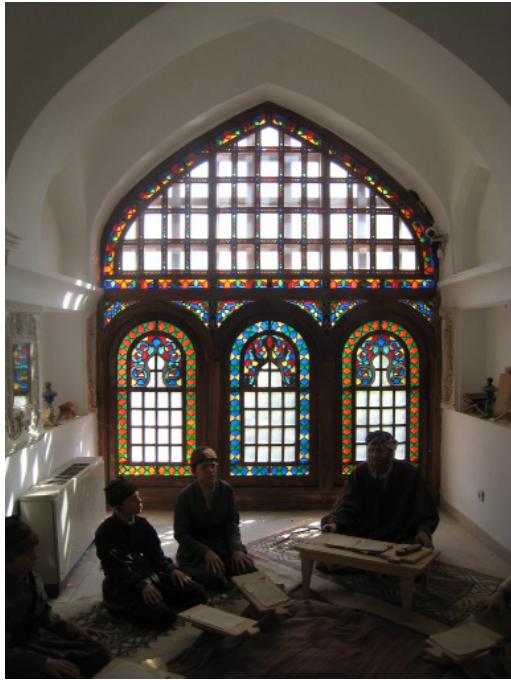
جدول ۱: لیست گروهی از اُرسی‌سازان شهر سنندج

ردیف	نام استادکار	محل سکونت	حروفه	عنوان یا لقب	دوره زمانی	آثار ساخته شده یا مرفت شده
۱	استاد نعمت‌الله	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	نازک کار و أُرسی ساز	دوره قاجار	از قدیمی‌ترین اُرسی‌سازان محلی و ساخت اُرسی بزرگ غربی عمارت آصف
۲	استاد محمد اُرسی‌ساز	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	نجارباشی	دوره قاجار	ساخت اُرسی و شبک بقعه پیر عمر
۳	استاد عبدالله نجارباشی	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	نجارباشی	دوره قاجار	ساخت اُرسی بزرگ عمارت و کیل (وکل‌الملک)، اُرسی خانه نانوا باشی و مرمت اُرسی بزرگ ضلع شمالي آصف (تصاویر ۲۹ و ۳۰).
۴	استاد محمد کریم عزت‌پور	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	اواخر قاجار و اوایل پهلوی	—	ساخت تعدادی از اُرسی‌های عمارت و کیل به جز اُرسی بزرگ، اُرسی‌های خانه صارم نظام (غیاثی) (تصویر ۳۱).
۵	استاد صالح عزت‌پور	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	اواخر قاجار و اوایل پهلوی	—	ساخت درهای عمارت و کیل
۶	استاد عباس نجارباشی	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	نجارباشی	اواخر دوره قاجار	مرمت و ساخت تعدادی از اُرسی‌های عمارت آصف دیوان
۷	استاد محمد سنه‌ای	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	نجارباشی	—	ساخت قاب‌بندی، درها و اُرسی‌های خانه فرید‌الملک (جوهری).
۸	استاد نعمت‌الله محمودی (نوه دختری عبدالله نجارباشی)	کردستان، سنندج	أُرسی ساز	دوره معاصر	—	ساخت اُرسی اتاق گوشوار ضلع شمالي عمارت آصف، مرمت اُرسی‌های موزه سنندج و عمارت خسرو‌آباد (تصویر ۳۲).

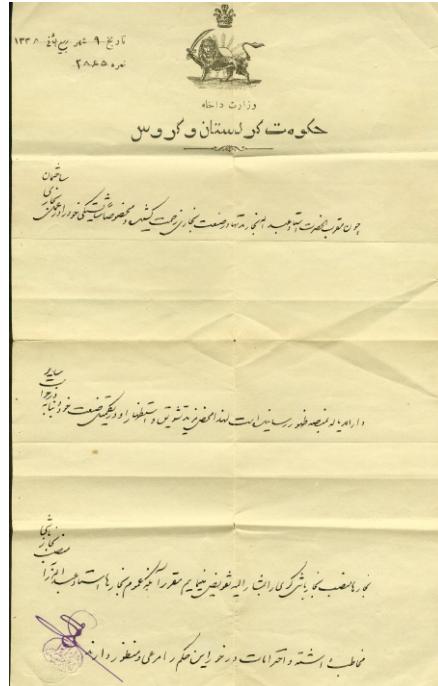


تصویر ۳۱: نمای داخلی اُرسی عمارت منزل نانوایاشی در
سنندج، اثر استاد عبدالله نجارباشی

تصویر ۲۹: نمای اصلی اُرسی عمارت و کیل
المالک در سنندج، اثر استاد عبدالله نجارباشی



تصویر ۳۲: نمای داخلی ارسی اتاق گوشوار ضلع شمالی عمارت آصف دیوان (خانه کرد)، اثر استاد نعمت‌الله محمودی



سنده شماره ۱: حکم نجبارباشی استاد عبدالله نجبارباشی (آرشیو شخصی، نعمت‌الله محمودی)

نتیجه‌گیری

اگرچه ارسی عنصری مهم در آثار معماری شهر سنتنج همچون سایر نقاط ایران محسوب می‌شد، به عنوان آرایه هنری وابسته به معماری مورد توجه هنرمندان ارسی‌ساز و بانیان آثار معماری بوده است. اگر در آغاز طرح‌ها غالباً وارداتی است، در ادامه با حفظ ساختار و رعایت اصول کلی، منتج به شیوه‌ای متاثر از شرایط بومی محلی می‌شود. این امری طبیعی است؛ زیرا در فرش و صنایع دستی، از جمله هنر نازک‌کاری هم این اتفاق رخ داده است. برآیند توجه به ارسی‌سازی از سویی، اهمیت جایگاه سازندگان و از سوی دیگر، توجه بانیان به عنوان عنصر و آرایه در معماری است؛ بنابراین، ارسی‌سازی سنتنج با استناد به نمونه‌های متعدد و گونه‌گون آن گسترش و رونق چشمگیر یافته است. موضوع گسترش در نتیجه چند عامل است: نخست استقبال گسترده از ارسی‌سازی از سوی کسانی که توانایی مالی مناسب داشتند؛ دوم، حضور هنرمندان ماهر و متخصص این عرصه در شهر سنتنج؛ سوم، ایجاد اشتغال و زنده نگهداشتن هنر ارسی‌سازی ایرانی. نکته مهمی که در روند طراحی و ساخت ارسی‌ها فهمیده می‌شود، تغییر و روزآمد شدن آن همراه با تحولات معماری است. با بررسی روند ارسی‌سازی از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار، تحولات چشمگیری رخ داده؛ برای مثال، از ساخت پاتوق‌ها یا کتیبه‌های پرکار به ساخت پاتوق‌های ساده با قاب‌های شیشه‌ای سفید و حاشیه‌ای گره‌چینی و قواره‌بری خاتمه یافته است؛ بنابراین، خواست سفارش دهنگان و سازندگان ارسی موجب شده تا از سویی، کیفیت و تنوع در ترکیب رنگ و ساختار متفاوت شود و از سوی دیگر، جایگزین‌هایی برای هنرمندان نسل‌های پیشین تربیت نشود. نکته مهم دیگر، خواست مردم است که به تدریج تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و گذشت زمان دگرگون شده است. این عوامل و عوامل دیگر موجب از رونق افتادن ارسی‌سازی در شهر سنتنج و سایر شهرهای ایران شده است. هرچند که ارسی‌سازی از رونق افتاده،

حفظ و مرمت نمونه‌های موجود براساس این پشتوانه غنی هنری و به دست آوردن طرح‌های جدید برای استفاده در معماری ساختمان‌هایی که صاحبان آن‌ها از تکن مالی برخوردارند، می‌توان این هنر را زنده نگه داشت.

یادآوری و سپاسگزاری

این نوشه را به زنده‌یاد استاد نعمت‌الله محمدی تقیم می‌کنم که در مرمت و ساخت اُرسی در شهر سنتنج هنرمندی کم‌نظری بودند. یادگارهای بسیاری از او به جای مانده است؛ از جمله آثار ماندگار او، مرمت اُرسی بزرگ عمارت ملاطلف‌الله شیخ‌الاسلام سنندج (موزه سنندج) است. در پایان لازم است که از کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان، آقایان رسول اشودان به‌دلیل تلاش برای مرمت اُرسی‌ها و سید محسن علوی برای تهییه تصویر از تعدادی از اُرسی‌ها و مهندس صاحب‌محمدیان منصور برای ترسیم طرح چهارچوب اُرسی تشكر کنم. از استاد حمید نعمتیان، استاد مسلم نازک کاری به‌دلیل آگاهی‌های ارزنده‌ای که در اختیارم نهادند، سپاسگزارم.

پی‌نوشت‌ها

۱. پیمون عرض در است که به دو اصل شناخته شده است: پیمون کوچک به طول چهارده گره و معادل ۹۳ سانتی‌متر (ابوالقاسمی ۱۳۷۹، ۳۸۲).

۲. پیمون بزرگ به طول هیجده گره و معادل یکصد و بیست سانتی‌متر است (همان، ۳۸۲).

۳. اکنون ساخت انواع آثار چوبی زیبا و بدیع در زمینه هنر نازک کاری در شهر سنتنج به صورت گسترشده و اُرسی‌سازی به صورت محدود و آن هم در زمینه مرمت اُرسی‌های قدیمی در حال انجام است؛ ولی در زمینه اُرسی‌سازی با آنچه در گذشته بوده، فاصله بسیاری وجود دارد. با بررسی‌های به عمل آمده در فاصله سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۴ در میراث فرهنگی استان کردستان، تلاش‌هایی در زمینه احیای دوباره اُرسی‌سازی صورت گرفته و این امر بیشتر برای مرمت و احیای اُرسی‌های قدیمی مؤثر واقع شده است.

۴. در نزد استاد کاران اُرسی‌ساز سنتنجی، به طرح‌هایی که در کتبیه درها و لته اُرسی‌ها با توجه به ابعاد و اندازه به چند بخش کلی تقسیم می‌شوند، هریک از آن بخش‌ها را که با تعدادی از قواره‌ها ترکیب شده، یک مجلس گویند؛ بنابراین، در کتبیه‌ها گاهی دو، سه و یا چهار مجلس ایجاد می‌شود که به سه، چهار و یا پنج مجلسی معروف‌اند. در کنار این طرح‌ها، برخی از کتبیه‌ها به شکل مرغ پر گشوده است که در کتبیه‌های دره‌ای نمایشگاه آثار استاد بهزادیان در عمارت آصف اجرا شده است.

۵. نقل قول آقای دکتر فرهاد فخار تهرانی نتیجه مصاجبه از طریق مکالمه تلفنی سال ۱۳۸۷ است. عرب توجه به اینکه نگارنده مدت‌ها در فضاهایی که ارسی با شیشه‌های رنگی داشته، آمد و شد کرده و گاهی برای ساعت‌های مداوم در این فضاها حضور مستمر داشته، به سبب ترکیب رنگ اُرسی‌ها هیچ نوع حشره‌ای را ندیده است.

۶. اُرسی با معماری منطقه مرکزی ایران، به‌ویژه اصفهان از دوره صفوی، وارد استان کردستان و شهر سنتنج شد. در این دوره، معماران و هنرمندان به شهر سنتنج آمدند و معماری سبک اصفهانی در شهرسازی و معماری و تزئینات معماری در شهر سنتنج ایجاد شد. چون تا پیش از این در منطقه کردستان، معماری به سبک برونگرا و معماری پلکانی مرسوم و معمول بود و حتی در قلعه‌های (زلم، پالنگان، حسن‌آباد و مربیان) مورد استفاده و ایلان اردلان هم این سبک معماری معمول بوده، از دوره صفوی، شیوه اصفهانی در شهر سنتنج در معماری و شهرسازی معمول گردید (ذک: رساله دکتری نگارنده با عنوان «تغییر و تحولات شهر سنتنج از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی»، ۱۳۸۱، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران).

۷. نقل قول شفاهی از مرحوم استاد نعمت‌الله محمدی، در سال ۱۳۸۸ که با ایشان مصاحبه انجام شده است.

۸. نقل قول شفاهی در مصاحبه با استاد نعمت‌الله محمدی سال ۱۳۸۴.

۹. مرحوم استاد نعمت‌الله محمدی که از استاد کاران برجسته اُرسی‌سازی بودند، اعتقاد داشتند که استاد کار این اُرسی و اُرسی موزه سنتنج یک نفر بوده است. هرچند که نظریات ایشان مستدل است، مستنداتی در این زمینه فعلاً در دست نیست. شوربختانه تا مدت‌ها مالکین از مرمت این اُرسی زیبا توسط میراث فرهنگی ممانعت می‌کردند. همین امر موجب خسارت فراوان به آن شد؛ بنابراین، تهیه طرح از آن امکان‌پذیر نیست. اکنون که این ملک به مالکیت میراث فرهنگی استان کردستان درآمده

- است، انتظار می‌رود که بهزودی مرمت آن آغاز گردد.
۱۱. بنا به گفته استاد حمید نعمتیان، نازک کار سندنجی و نوء استاد نعمت‌الله که اکنون هشتادساله است، استاد نعمت‌الله از بنیان‌گذaran این حرفه در سندنج بوده است. بسیاری از هنرمندان عرصه نازک کاری این سخن را قبول دارند (مرحوم علی‌اکبر بهزادیان، مصاحب‌شونده، ۱۳۸۳). نگارنده مقاله‌ای در باب هنرهای چوبی، بهویژه نازک کاری در دست انتشار دارد.
 ۱۲. نقل قول شفاهی در مصاحبه با استاد نعمت‌الله محمودی سال ۱۳۸۴.
 ۱۳. موضوع مرمت ارسی‌ها نیاز به بررسی و مطالعات جدائمه و مفصل دارد که از حوصله این مقاله خارج است. نگارنده امیدوار است بتواند با توجه به یادداشت‌هایی که در این باره تهییه کرده، این کار را انجام دهد.
 ۱۴. این نقل از استاد نعمت‌الله محمودی در سال ۱۳۸۲ بوده است.
 ۱۵. این گره پوک در هنگام مرمت عمارت آصف‌دیوان در سال ۱۳۸۱ از زیر لایه‌های گچ پدیدار شد. بهنظر می‌رسد که از آثار دوره صفوی هم باشد. با ارسی‌های دیگر این ساختمان که در دوره صفوی ساخته شده‌اند، در خور مقایسه است.

منابع

- آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان، ۱۳۸۰. دست‌نوشته درباره هنر مندان کردستان، (چاپ نشده).
- ابوالقاسمی، لطیف. ۱۳۷۹. هنجر شکل‌یابی معماری اسلامی ایران. معماری ایران دوره اسلامی. گردآورنده محمدیوسف کیانی، تهران: سمت.
- اردلان، مستوره. ۲۰۰۵. تاریخ الکرداد. به کوشش جمال احمدی آین. اریل: آراس.
- امرابی، مهدی. ۱۳۸۳. ارسی، پنجره‌های رو به نور (با مقدمه زهرا رهنورد)، تهران: سمت.
- بابانی، عبدالقادر بن رستم. ۱۳۷۴. تاریخ الکرداد در تاریخ و جغرافیای کردستان. به کوشش محمدرؤوف توکلی. تهران: توکلی.
- بزرگمهری، زهره و آناهیتا خدادی. ۱۳۸۹. آمدهای ایرانی (شناخت، آسیب‌شناسی و مرمت). تهران: سروش دانش.
- بیگی، مالک. ۱۳۸۴. پروژه عمارت مشیر‌دیوان سندنج (بررسی پنجره‌های ارسی). پروژه پایانی کارданی هنرهای چوبی. دانشگاه علمی کاربردی صنایع دستی تبریز (چاپ نشده).
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۷۱. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ———. ۱۳۸۱. مصالح ساختمانی. آزاد، اندود، آمود در بناهای کهن ایران. تالیف و تدوین و تعلیق: زهره بزرگمهری. تهران: مؤسسه صندوق تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ———. ۱۳۶۴. لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۸۱. سیماهی میراث فرهنگی کردستان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور و هنر روز.
- ———. ۱۳۸۲. الف. گزارش مقدماتی گمانهزنی و کاوش‌های باستان‌شناسی سنه‌دز. آ. س. م. کردستان (منتشر نشده).
- ———. ۱۳۸۲. ی. گزارش بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان سندنج. آ. س. م. کردستان. (منتشر نشده).
- ———. ۱۳۸۶. تغییر تحولات شهر سندنج در دوران صفوی و قاجار از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی. رساله دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- ———. ۱۳۸۷. بازار و میدان علاف‌های سندنج. مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران. تابستان ۱۳۸۷. ۱۸۶. دوره ۵۹، شماره ۴: ۳۱ - ۵۰.
- سندنجی، میرزا‌شکرالله. ۱۳۶۶. تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. به کوشش حشمت‌الله طبیبی. تهران: امیرکبیر.
- عمید، حسن. ۱۳۶۶. فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد. ۱۳۷۱. فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر.
- مردوح، محمد. ۱۳۷۹. تاریخ مردوح. تهران: نارنگ.
- نجفی، سید یدالله. ۱۳۶۹. جغرافیای عمومی کردستان. تهران: امیرکبیر.
- وقاریع‌نگار کردستانی، میرزا علی‌اکبر. ۱۳۸۱. حدیقه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. به کوشش محمدرؤوف توکلی. تهران: توکلی.